

# ایران کتابخانه‌های

از ماقبل از اسلام تا عصر حاضر

در داخله و خارجه و ذکر

برخی از نفایس کتب خطی

و نسخ نایاب

تألف

عبدالعزیز

جوهر الکلام

مؤلف ۲۰ جلد کتاب آثار الشیعه الامامیه و مترجم

مقدمه ابن خلدون و غیرها

حق طبع و ترجمه برای مؤلف محسوط

قیمت - ۵ - قران

سال ۱۳۱۱

کتابخانه قدس

برچیده از کتابخانه دیجیتال هندوستان <http://dli.iiit.ac.in>

باز تکثیر از کتابخانه کتاب فارسی <http://www.KetabFarsi.com>

برچیده از کتابخانه دیجیتال هندوستان

<http://dli.iiit.ac.in/>

# کتاب خانہ پائے ایران

عبدالغفرین

۱۸۹۳ء

حیدرآباد

P116.P8

## مجله‌نامه

بطوریکه در کلیه مطابع شرق بلکه اروپا اتفاق می‌افتد اغلاط چندی  
یا تعریف در موقع طبع این کتاب واقع شده لذا متمنی است قبلا  
بغلط نامه ذیل مراجعه فرمایند

صحیح	غلط	سطر	شماره
جمع اوری کتب برآمد	جمع اوری برآمد	۱۷	
اسلامی را	اسلامی	۱۷	
تا زمان استقلال سیاسی	تا زمان سیاسی	۱۰	
کتابخانه اردشیر	کتابخانه اوشیروان	۱	۱۰ و ۱
در	در	۱۸	۲۱
و از جمله	از جمله	۹	۲۰
دویست الی هزار	دویست هزار	۲	۲۰
در معجم البلدان	در معجم البلدان	۱۷	۳۰
کتابخانه رصد خانه	کتابخانه یارصد خانه	۱۵	۳۰
کشکول میبدی	کشکول میبای	۱۶	۳۱
رصدخانه نزرکی بناموده هرلاکو (تکرار شده)		۱۸	۳۱
راجع باین در کتابخانه	راجع مان کتابخانه	۱۸	۳۲
تالیف شده		۸	۵۰
فحة القرى	فوحة القرى	۱۴	۵۳
مهمه دیگر	مهمه بکر	۶	۵۴
بین علماء احادیث	بین احادیث	۹	۵۴

غلامنامه ۲۰۲ -

صحيح	فقط		
که از تالیفات	از تالیفات	۱۳	۵۵
بی اندازه زیاد بوده	بی اندازه بوده	۵	۵۶
که يك قسمت	که در يك قسمت	۱۸	۵۷
که عده	عده که	۷	۶۱
این کتابخانه	این کتاب	۱۰	۶۴
گلستان مرقع تصویرهای - مرقع گلستان که صورت تصویرها		۱۰	۶۵
میرزا حسین	میرزا میرزا حسین	۱۳	۶۸
اول وزیر معارف	وزیر اول معارف	۱۵	۷۲
کتابهای آن را *	و کتابهای آن را	۸	۷۴
و تاریخ تحریر نسخه	و تحریر نسخه	۱۳	۸۵
۱۶۰۰ جلد	۶۱۰۰ جلد	۱۲	۸۸
و لواعع الروایات	لواعع الروایات	۱	۸۹
و غیره موجود است	و غیره	۱۷	۸۹
ان	ان را	۶	۹۰
کتاب اوده	کتاب تقریباً بوده	۷	۹۱
للشیخ محمد	الاشفح محمد	۱۵	۹۱
و کتابخانه فاضل محترم آقای میرزا محمد طاهر تمکابنی		۱۷	۹۳
معارف فضلاء	معارف و فضلاء	۱	۹۴
برقمه شیخ صنی وقف شده	برقمه شیخ صنی شده	۱۱	۹۴
کتابخانههای ایرانی	کتابخانه ایران	۱۶	۹۶

این تألیف ناچیز را  
به کتابخانه عالم محترم داش پرورد  
آقای یحیی خان اعتماد الدوله  
وزیر سی نظیر معارف و اوقاف  
و صنایع مستظرفه ایران  
تقدیم میدارم  
«جواهر کلام»

❖ ( سه نالی ) ❖

مقدمه

موضوعی که فعلاً در صدر نشر و تألیف آن میباشیم در ممالک متمدنه دنیا از دیرزمانی مورد توجه واقع گردیده و هر اران مردمان دانشمند در آن اب قلمه رسائی نموده اند و موضوع هر دور تاریخ تأسیس کتابخانه ها در ممالک مختلفه دنیا میباشد و تا سمانه به تنها ایرایان راجع بکتابخانه های خود توجهی ننموده اند بلکه دانشمندان و متخصصین خارجه هم که در باره کتابخانه های ممالک خود و سایر نقاط دنیا تألیفاتی کرده اند و کری از کتابخانه های ایران ننموده اند مثل اینکه مملکت ایران از ابتدا تا کمون ما کتاب و کتابخانه سر و کاری نداشته است در صورتیکه بر طبق اسناد و مدارک صحیحه تاریخی ایرایان از دوره باستان علاقه مخصوص بکتاب و تأسیس کتابخانه داشته اند لذا برای رفع اشتباه بطور نمونه مختصری از تاریخ کتابخانه های ایران را که شخصاً مدت مدیدی نتح نموده ام برای استعاده عموم تقدیم قارئین محترم میداریم قبل از شروع بمقصود مختصری از تاریخ تأسیس کتابخانه در ممالک مختلفه دینی قدیم بیر اشاره میساقیم .



## تاریخ تأسیس کتابخانه در ممالک قدیمه

مصر — یونان — روم — اروپا

مطابق تحقیقات علماء علم آثار مال قدیمه که در تاریخ عمومی مندرج است و اخیراً در خرابه های نابل و اینوا کشف گردیده ثابت میشود که مال کلدیه، آشور بجمع آوری کتب رغبتی نام داشته و آنها را در معابد دینی محفوظ میداشتند.

اول ملتی که بجمع آوری کتابخانه خصوصاً مادرت نمود مصر نهی قدیم بودند چنانکه مورخین از رامسس کبیر (یکی از فرعون مصر) نقل نموده اند وی بسیاری از مؤلفات مربوطه با امور مذهبی و طب و زراعت را در مصر خویش جمع آوری نموده و آنها را تحت الحمايه الهه (فوت) والهة (مسافرین) گذاشت.

اول ملتی که بجمع آوری کتابخانه های عمده می پرداخته است یونانیهای قدیم بودند و اول کتابخانه عمومی که دائر نمودند کتابخانه (بیزسترایدس) بود که شش قرن قبل از میلاد مسیح وجود داشته دیگر کتابخانه اسکندریه بود که بطلمیوس تقریباً در سه قرن پیش از میلاد دائر کرده و دارای دویست هزار جلد کتاب بوده است. دیگر کتابخانه ارسطو که کتابهای ارسطو و بسیاری از کتب فلسفه و سایر فنون را در آنجا جمع آوری نموده اند.

رومها نیز ~~کتابخانه~~ کتابخانه های عمومی داشته اند از آنجمله کتابخانه « اوکتافیه » که در روم تأسیس یافته بود و کتابخانه (ایپافرودیت) بوده که در حدود سی هزار کتاب داشته است.

کتابخانه های عمومی و خصوصی در اروپا تا زمان شارلمان که در قرن هشتم مسیحی میزبسته چندان شیوعی نداشته است ولی در قرن یازدهم میلادی برغبت اروپائیه در تأسیس کتابخانه های عمومی و خصوصی افزوده شد زیرا علماء و مؤلفین در آن ممالک زیاد شده و مجادلات دینی و مذهبی هم بین دو طایفه پروتستانت و کاتولیک شدت یافت علاقه و محبت آنان نسبت بجمع آوری کتاب و تأسیس کتابخانه طبعاً رو تنزاید مرفت سبب علوم طبیعی و کلمات فنی ظهور یافته اختراعات و اکتشافات جدیده دائر گردید و در قرن شانزدهم مطبعه را اختراع نمودند و مؤلفات به منتهی درجه فزونی یافت کتابخانه های عمومی و خصوصی هم بهمین نسبت زیاد شده و در اغلب شهرها دائر گردید و حتی به قری و قصبات هم سرایت کرد.

تاریخ تأسیس کتابخانه ها در ممالک عرب بعد از اسلام

بنابر آنچه ابن خلدون گفته اول کسیکه از امراء عرب در صد جمع آوری برآمد خالد بن یزید اموی بوده سپس منصور خلیفه دوم عباسی است که بترجمه کتابهای ایرانی و یونانی همت گماشت و چون در زمان



هرون الرشید تعداد کتب فزونی یافت و هرون به مشورت یحیی بن خالد برمکی بتأسیس کتابخانه معروف بخزانة الحکمة امر داده کتابهای یونانی و قبطی و فارسی و سریانی را در آن کتابخانه جمع آوری نمود و چون ثوابت خلافت بمأمون رسید بیشتر از دیگران به جمع آوری کتب فرمان داد گویند او تنها برای ترجمه کتابهای یونان سیصد هزار دینار مصرف نمود و از جمله شرایط قرارداد صلح که بین او و امپراتور رم (میشل سوم) منعقد گردید این بود که یکی از کتابخانه های فاطمینی را بمأمون واگذار کند. کتاب بطليموس که در علم نجوم نوشته شده بین کتابهای این کتابخانه بوده و مأمون مترجم آن امر داد و آن ترجمه را بالجمعی موسوم داشت

وزراء و امراء دانشمندان بمأمون پیروی کرده کتابخانه های مهمی در بغداد تأسیس نموده اند

وقتی که خلافت از بنی امیه به بنی عباس انتقال یافت عبدالرحمن اموی بجانب اندلس فرار نمود مردمان اندلس مقدم ویرا گرامی داشته و دعوت او را قبول نمودند عبدالرحمن در قرطبه که یکی از مهمترین شهرهای اندلس است دولت مهمی تشکیل داد و معارف و تمدن اسلامی در تمام مملکت اسپانیا بمنتهی درجه رسانید در ایام خلافت المستنصر بالله الحکم پادشاه قرطبه کتابخانه های مهمی در شهرهای اندلس تأسیس شده بود از آنجمله هفتاد کتابخانه معتبر بود که در قرطبه تأسیس نموده بودند.

کتابخانه های مصر در عصر فاطمیین کمتر از کتابخانه های قرطبه و بغداد نبوده مختصرترین کتابخانه دولتی آنوقت صد هزار کتاب داشته مقریزی در خطط مصر راجع به کتابخانه های مصر مقاله مفصلي نگاشته و در ضمن آن گفته وقتی که صلاح الدین ایوبی بر قصر سلطنتی استیلاء یافت از جمله چیزهای گرانبها که به معرض فروش گذاشت کتابخانه مهمی بود که از عجایب دنیا شمرده میشد و در تمام ممالک اسلامی نظر داشت. در آن کتابخانه یکمليون و ششصد هزار کتاب وجود داشت. نیز مقریزی میگوید که قسمت مهمی از کتابخانه های مصر به شام نقل شد و در سنه ۵۰۲ هجری قمری تمام آن کتاب ها را در آنداء جنگ سوزانیدند.

## گمنامی کتابخانه های ایران نزد مورخین جدید

### مصری و اروپائی

تاریخ تأسیس کتابخانه و احصائی کلیه کتابخانه های شرق و غرب را مؤرخین قدیم متعرض نشده اند ولی مؤرخین و دانشمندان دنیای متقدمین امروزه در این موضوع تحقیقات کامل نموده و راجع به کتابخانه های ممالک اسلامی و غیره اطلاعات مهمی جمع آوری نموده اند. متأسفانه از کتابخانه های ایران نامی نبرده و تالیف مستقل یا مقاله و رساله جداگانه تا کنون باین عنوان نگاشته نشده است.

جرحی ریدان مورخ معروف مصری در جلد چهارم کتاب تاریخ آداب الامة امریبه تمام کتابخانه‌های دنیا را اجمالاً بیان نموده ولی از کتابخانه‌های ایران اسمی نبرده. علامه فرید و جدی نیز در دائره المعارف خود کتابخانه‌های عالم را احصاء نموده و از کتاب‌های اروپائی آنچه در این خصوص نگاشته شده نقل کرده بدون اینکه از کتابخانه‌های ایران نامی نبرده باشد و همچنین میرمورحین عصر حاضر اروپائی مانند رول سایکس و برنسور دوارد برون در تاریخ ایران و تاریخ ادبیت ایران از دوره‌ها معصوم داشته اند. فی الحقیقه، نگاره‌هاست از بن قید مورحین بزرگ حلی مورد تعجب است زیرا مورحین قدیم عرب مانند میاسوف ابن حادون اندلسی، ابن جریر ابن سائر، دمشقی و غیره آنها و خود ابن مورحین جدید مانند جرحی ریدان و سستی و فرید و جدی و سایرین تماماً مقرر و معارفند که نهت تمدن عرب و تمدن علوم اسلامی اعم از علوم دینی و عقلی و ادبی دارای فکر و قلم ایرانیان بوده و مستشرقین هم تصریح باین امر مسلم نموده اند از جمله مستشرق روسی «انوسراسف» در کتاب خود «تأثیر آداب ایران در لغت عرب» چاپ پترزبورگ سنه ۱۹۰۹ و ما در جلد چهارم از کتاب آثار الشیعه این موضوع را بطریق دیگر بیان و توضیح نموده ایم.

بالجمله تا قریب این مراتب لازم بود که کتابخانه‌های ایران اشاره شده باشد و در باره آن قسمت نیز تحقیقات نموده و نامی برده باشند.

## گمنامی کتابخانه های ایران (۷)

و ما نمیتوانیم آنها را معذور داشته و بگوئیم چون کتابخانه های جدید و قدیم ایران احصائیه نداشته برای آنها در اینخصوص اطلاعی حاصل نشده است و لذا دژی از آن نگذرده اند زیرا کتابخانه های عراق عرب و کتابخانه های رقیه بدر حصائیه نداشته و با وجود این احوالا آنها ددی نموده اند.

بنابر مطالب مروره لازم شده که موضوع بحث را کتابخانه های ایران تخصصی دهیم و بدها آنها را تقسیم دبل به قسم بندی نمائیم بهتر از عهدۀ توسیح مطالب و نیز بختی موصود برائیم

۱- کتابخانه های ایران پیش از اسلام

۲- کتابخانه های ایران بعد از اسلام تا پایان سیاسی آن بطریق

دولت صفاریین سنه ۲۵۳.

۳- کتابخانه های ایران از بدو استیلاء سیاسی آن تا افکار

مغول در ایران از ۲۵۳ تا ۶۱۵.

۴- کتابخانه های ایران در زمان مغول و ماوراءالنهر یعنی تا

استیلاء صفوی از سنه ۶۱۵ تا سنه ۹۰۶

۵- کتابخانه های ایران در زمان صفویه تا استیلاء قاجاریه

از سنه ۹۵۰ تا ۱۲۱۰.

۶- کتابخانه های ایران از زمان استیلاء قاجاریه تا حال

۷- کتابخانه های ایران در شهرهای محالک خارجه.



## کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام

## ۱ - کتابخانه اسطرخر

ابن الندیم در صفحه ۱۳۹ از فهرست خود بحث به تمدن ایران باستان و این کتابخانه چنین نقل نموده - هنگامیکه اسکندر بر اسطرخر استیلاء یافت و آن را ویران نمود کافهٔ مدونات آن را که بر سنگهای خاصی به زبان فهلوی نگاشته شده به دست آورد و آنچه را به علوم طبیعی و طبی و نجومی ارتباط داشته به استنساخ و ترجمهٔ آن را از فهلوی به قبطی و یونانی امر داد سپس به مصر فرستاد و بقیهٔ مدونات فارسی را سوزانید و از جملهٔ آنها ( کتاب الکشتج ) بوده مدرك معتبر مورخین راجع به کتابخانهٔ فوق نقل مزبور ابن الندیم است که از کتاب ( النهمطان ) تألیف ابی یسها بن یوسف اخذ کرده .. این کتابها علی التحقیق ضمیمهٔ کتابهای کتابخانهٔ اسکندریهٔ مصر بوده و با آن کتابها طعمهٔ آتش گشت

## ۲ - کتابخانه (قهندهو) یا (سارویه) در جی اصفهان

ابن الندیم در صفحه ۱۴۱ از فهرست از کتاب ( اختلاف الزیجات ) تألیف ابی معشر بلخی معروف راجع به کتابخانهٔ مذکوره چنین نگاشته که در اوائل قرن ۴ هجری در محل ( سارویه ) داخل شهر جی زیر زمین مخروبهٔ کشف شده و در آن کتابهای فارسی قدیمی که بر پوست درختی نگاشته شده دست آمده از خواندن این کتابها چنین معلوم

گشته که کتب مذکوره را به فرمان پادشاه عادل دانش پرور (طهمورت) در (قهندر هـ.و) گذاشته شده و از جمله آنها زیجی است بسیار معتبر که از آن زیج معروف به زیج شهریار استخراج نمودند. ابو معشر گوید این محل (قهندر هـ.و) تا عصر خویش باقی است و به (سارویه) معروف است و در این زمان کتابهای دیگر را در ایران کشف شده که محل آنها مجهول و اکتات آنها باخوانا بوده است

#### ۳- کتابخانه حصار اصفهان

ابن الندیم گوید آنچه را که خود مشاهده کرده ام در سال ۳۴۲ ابوالفضل بن العمید کتابهای یونانی زیاد در حصار اصفهان در صندوقهای سر بسته بدست آورده و به بغداد فرستاده عفوئت آنها تا يك سال به قسمی زیاد بوده که کسی نه میتواند آنها را مشاهده نماید سپس عفوئت آنها زایل شده و مترجمین زبان یونانی مانند یوحنا و همسرانش کتب مذکوره را ترجمه کردند شمه از آنها در نامها و مقررات قشوی بوده و برخی از آنها تا زمان خویش نزد استاد ما ابوسلیمان بوده

#### ۴- کتابخانه یاموزة اردشیر بن بابک و پسرش شاپور در مداین

ابن الندیم در صفحه ۱۳۹ از فهرست گوید موقعیکه اردشیر بن بابک استیلاء یافت کتابهایی که به ایران باستان مربوط بوده از هندوچین و روم جمع آوری نموده و شمه از آنها که در عراق عرب بوده بخرخواستہ پس از وی پسرش شاپور ملک پدر و ایلروی کرده تا اینکه جمله

کتابهای فارسی را استنساخ نمودند. . . در تاریخ اردشیر معروف است که جمع آوری متفرقات اوسنا و در تب دادن فواین رودشت علاقه مند بوده و در این خصوص مورخین ایران باستان سخن رانی نمودند و از ترجمه نقل فرید وجدی در صفحه ۶۷ از دائرة المعارف خود در ماده کتب چنین معلوم میشود که اردشیر کتابخانه با موره مهمی داشته زیرا که یکوید : مأمون عباسی وقتی که در مرو بوده طرزو رقتار ایرانیها در تجملات و جمع آوری آثار نفیسه و تحف قدیمه ملاحظه کرده و در نظر او جلوه نمود مأمون اردشیر پیروی کرده و بسیاری از تحف قدیمه که در ممالک عرب پیش از اسلام بوده جمع آوری کرده از آن جمله نوشته که بقلم عبدالمطلب نگاشته شده بدست آورده این نوشته تا قرن هفتم هجری باقیمانده بود.

این عبارت صریح است باینکه اردشیر جمع آوری تحف قدیمه مانند کتب نفیسه و اشیاء نادره علاقه مند بوده مأمون از این جهت اردشیر پیروی کرده و نوشته عبدالمطلب را بدست آورده پس بنابراین اوشیروان راستی کتابخانه معتبری داشته و کتابهای مهم گرانهائی در آن جمع آوری کرده باشد و اگر بگوئیم کتابخانه مستقل نداشته است حتما موره داشته که از جمله هائس آن يك عدد از کتابهای قدیمی و نسخ نادره بوده بنا بر این میشود گفت که تاریخ نهضت علمی ایرانیان قدیم از زمان اردشیر شروع شده و در زمان شاپور و اوشیروان بعد کمال رسیده بود.

## ۵ - کتابخانه انوشیروان در جندی شاپور

در تاریخ نهضت علمی ایرانیان قدیم که از زمان اردشیر یا شاپور پسرش شروع میشود معروف است که شاپور کتب فلسفه یونانی را بپای تخت خود وارد نموده و آنها را بفارسی ترجمه کرده و کسری معروف به انوشیروان عادل ۵۳۱-۵۴۸ از پادشاهان دانش پرور ایران بوده و بمطالعه کتب فلسفه رغبت تامه داشته است در ایام این پادشاه فلسفه روم مجدداً رسیده بود بوستنیان امپراطور مسیحی در اثر اختلافات مذهبی فلاسفه و منکرین غیر مسیحی را از روم تبعید کرد آنان با طرف عالم پراکنده شدند از جمله هفت نفر فیلسوف مشهور رومی بخدمت انوشیروان آمدند پادشاه مقدم آنها را گرامی داشته از ایشان خواهش نمود که تالیف و تصنیف اشغال یابند فلاسفه مزبور چندین کتاب در علم طب و منطق تالیف نموده اند که بفارسی ترجمه شده انوشیروان با کمال دقت کتابهای آنان را مطالعه نموده و مجالس مخصوصی برای بحث در مسائل علمی تشکیل میداد چنانکه مأمون عباسی نیز دو قرن و نیم بعد از انوشیروان همین گونه مجالس علمی ترتیب میداد این مطلب را ابن الندیم در فهرست خود درج نموده است ادوارد براون در تاریخ ادبیات ایران نیز ذکر نموده است که انوشیروان از کتب سانسکریت مقدار وافیه زبان فارسی نقل و ترجمه کرده در شهر جندی شاپور مریضخانه برای معالجه مرضی و تدریس علم طب تأسیس



نموده و اطباء بسیاری از هند و یونان برای مریضخانه استخدام نمود که در آنجا بتدریس طب هندی و یونانی اشتغال داشتند. مریضخانه انوشیروان در زمان خودش مانند مدرسه اسکندریه مصر بوده است. بنا بر این از اظهارات فوق الذکر این التذیبم و ادوارد براون معلوم میشود که زمان شاپور بن اردشیر و انوشیروان کتب مهمی بزبان یونانی و هندی و فارسی در فلسفه و طب تألیف شده از آن جمله ۸۲ کتاب یا رساله که نامور مذهبی مربوط بوده و ۹ کتاب دیگر که نامور مذهبی ارتباط نداشته و قریب هفتاد کتاب که متعلق بقنون مخالفه است و در قرن اول اسلامی وجود داشته و عربی ترجمه شده است و آن کتابها حتماً در کتابخانه مخصوصی جمع آوری شده بود که رسماً شبیه مریضخانه چندشاپور بوده است مانند کتابخانه اسکندریه مصر و کتابخانه هرون و مأمون عباسی که معروف به خزانه الحکمة بوده و یکی از مدیران آن (ابوالفضل بن نوبخت) بوده است و اگر بگوئیم که مأمون عباسی در ترتیب مجالس مناظره در حکمت و ترجمه کتب یونانی با انوشیروان پیروی نموده البته در تشکیل کتابخانه هم از انوشیروان تبعیت نموده است و این مطلب سابقاً ذکر شد که مأمون به تقلید اردشیر بجمع آوری کتب و آثار نفیسه پرداخت بقیسده شخصی ما کتابخانه مزبوره تنها مشتمل بر کتب طب و فلسفه بوده بلکه محتوی کتابهایی دیگر در علوم نجوم و سیر و تاریخ و آداب و موسیقی بوده که در همان زمان تألیف

شده است زیرا جرجی زیدان در جلد دوم آداب اللغة و در فاعی در جلد اول عصر المأمون و غیر آنان نقل نمودند که خاندان بوخت به تنهایی بیست کتاب در علم نجوم و سیر و تاریخ و حکمت و آداب و موسیقی از فارسی عربی نقل نموده‌اند.

این التذیب در فهرست کتب زیادتر است که از زبان پهلوی عربی ترجمه شده و در قرن چهاردهم هجری اصل و ترجمه آنها در دست نرسیده ذکر میکند، عدد این کتابها قرب هفتاد کتاب منعلق به بیطاروی و امور مذهبی و فنون جنگی و سیاست و مملکت داری و قصص و حکایات عاشقانه مانند زمانهای امروزه بوده است اعتماد عربها کاملاً در این علوم بکتاب و آثار ایرانیان بود.

بهر حال فعلاً دلائل تاریخی بر بودن کتابخانه در ایران پیش از آنچه که ذکر نمودیم نیافتیم و همان مقدار برای اثبات مطلوب کافی است.

## ۲- کتابخانه‌های ایران بعد از اسلام تا زمان استقلال سیاسی

آن بواسطه ظهور دولت صفاریان ۲۵۳

قارئین محترم بخوبی میدانند که در آن عصر مراکز علم و ادب در ایران نیشابور - قم - ری - بخارا بوده و حتماً در بلاد مذکوره کتابخانه‌های خصوصی مهمی دایر بوده است مثلاً اگر تاریخ نیشابور و آنچه را که راجع است بحديث سلسلة الذهب معروف است که از

حضرت رضا (ع) روایت نمودند ملاحظه کنیم میدانیم که کتابخانه های گرابها در بیشاپور بوده زیرا که شیخ صدوق این با بویه معروف در کتاب عیون اخبار الرضا نقل فرموده حضرت موقمی ص که وارد بیشاپور شد بیست هزار نفر محدث با بیست هزار دوات که بین آنها هزار دوات طلا بوده استعمال نموده اند و خواهش کردند که يك حدیثی برای آنان بیان فرمایند حضرت حدیث ( لا اله الا الله حصی من قالها آمن من عذابی ) قرائت فرمودید مقصود آنستکه شهری که از ارباب حدیث بیست هزار نفر داشته باشد چگونه ممکن است که کتابخانه نداشته باشد.

از جمله علماء بیشاپور در این عصر فضل بن شاذان متکلم معروف بود که صد و هشتاد کتاب تألیف نموده است متناسف به تاریخ بیشاپور تألیف الحاکم محمد بن عبدالله دست رس ما بیست و الا تمام آثار ادبی و مادی این شهر در آن عصر معلوم میشد از قرار معلوم نسخه این کتاب در کتابخانه سلطان محمد فاتح عثمانی در اسلامبول بوده شاید تا کنون در آنجا باقی باشد همچنین شهر قم که در این عصر مرکز علماء اشعری و غیر اشعری بوده و بسیاری از رجال نامی و با فضل از آنجا بیرون آمده اند از آن جمله احمد بن محمد بن خالد برقی منسوب برفقه از نواحی قم) صاحب کتاب المحاسن و غیره در علم حدیث که در اول کتاب مذکور میگوید من این کتاب را نتوانستم تألیف

و تدوین کنم مگر بعد از مطالعه هزار کتاب و از اینجا معلوم میشود که عدد کتاب و کتابخانه در این شهر تا چه اندازه بوده چنانکه تاریخ معارف و آثار ادبی آرا از کتاب تاریخ قم که در قرن چهارم برای صاحب بن عباد مزغان عربی تألیف شده و در قرن هشتم بزبان فارسی ترجمه شده ظاهر و هویدا است مجلد اول از چهار مجلد که تمام ترجمه مذکوره باشد در کتابخانه مدرسه ناصری جدید در طهران موجود است چنانکه ذکر آن در ضمن توصیف کتابخانه مزبور می آید و همچنین شهر بخارا که از علمای آن در این عهد ابو عبدالله محمد بن ابی الحسن بخاری (۲۵۶) صاحب کتاب الجامع در علم حدیث است که خود مؤلف در وصف آن میگوید: «در ظرف شانزده سال جمع آوری نمودم و از شصت صد هزار حدیث استنباط کردم»

### کتابخانه ابوالوفاء بن سلمه در همدان

در ضمن شرح حالات حبیب بن اوس طائی معروف به ابی تمام نزدیکترین شعرای عرب در عصر خودش ص در سنه ۲۲۲ یا ۲۳۲ در موصل وفات نموده ذکر شده که ابو تمام بر ابوالوفاء مذکور در همدان وارد شده و چونکه فصل زمستان بوده ابوالوفاء او را در کتابخانه خود نگاهداشته ابو تمام توقف خود را در این کتابخانه مؤتمن دانسته و کتاب دیوان الحماسه از کتابهای آلب جمع آوری نموده و برنه باب ترتیب نموده

نظر باینکه کتاب دیوان الحماسه مهمترین کتابی است در فن خود بوده زیرا که در آن از سیصد دیوان شاعر عربی بزرگ جاهل و مختصر می نیکوترین اشعار اخلاقی و اجتهادی و حماسی و مدایح و مرثی و غیره نقل نموده و علمای از چند ادب مشرقی بر آن نگاشته اند و عظمت و اهمیت کتاب مزبور را کاملاً معرفی نمودند از آنجمله ابوعلی احمد بن محمد اصفهانی که در سنه ۲۱۴ و وفات نموده و ابوالفتح عثمان بن جنی که در سنه ۳۷۲ وفات نموده و خطیب تبریزی که شرح او در دو مجلد بزرگ طبع شده و غیر آنان پس از آنجا معلوم میشود که کتابخانه مذکوره بسیار مهم بوده که چنین کتابی از يك قسمت از کتابهای آن جمع آوری شده است

در هر صورت در کتب مورخین معتبر این دوره صکه دست رس مؤلفین است نامی از کتابخانه مهم عمومی یا خصوصی در ایران جز کتابخانه ابوالوفاء مذکور در همدان نیامده برای اینکه تأسیس کتابخانه عمومی و جمع آوری کتب در عصر هارون به تشکیل کتابخانه معروفه بخزانة الحکمة در بغداد شروع شده و در عصر مأمون در دو قرن و نیم بعد از هجرت تقریباً تکمیل گردیده و در اواخر قرن سوم وزراء و امرای دولت عباسی مانند فتح بن خاقان وزیر متوکل بالله و غیره در جمع آوری کتب و تأسیس کتابخانه های مهم عمومی و خصوصی بمأمون پیروی کرده و بقسمی آنها تکمیل نمودند که هیچ خانه از خانه های وزراء و امرای عباسی در بغداد



بود عمادالدوله مؤسس سلطنت دیلمه از ۳۲۲ تا سنه ۳۳۸ در شیراز اقامت نموده و در غالب شهرهای ایران حکمفرمایی داشته البته تأسیس چنین کتابخانه‌ها برای وی اشکالی نداشت ولی ابن مسکویه در کتاب تجارب الامم و ابن اثیر در کامل که شرح حالات و آثار ادبی و مادی عمادالدوله را ذکر نموده‌اند نامی از این کتابخانه‌ها نبرده‌اند: در صورتیکه تأسیس کتابخانه‌های مذکوره در شیراز مسلم بوده عاده بایستی تا زمان انقراض سلطنت آل بویه در شیراز ۴۴۷ باقی مانده و بعدها متلاشی گشته.

#### ۴ — کتابخانه ابن عمید وزیر رکن الدوله دیلمی در ری

ابوالفضل محمد بن حسین عمید بن محمد معروف بابن عمید از بزرگان و دانشمندان عصر خویش بوده در علم نجوم و فلسفه تتبع کامل داشت تا صاحب بن عباد نیز الفت تامی پیدا نکرد و کتابخانه مهمی جمع آوری نمود که یکقسمت عمده آن در علوم ریاضی و نجوم بوده است ابو علی احمد بن مسکویه فیلسوف معروف کتابدار این کتابخانه بود و بهمین جهت او را خازن میگفتند، از این کتابخانه در کتاب تاریخ فلاسفة الاسلام محمد اطفی جمعه در ضمن حالات ابن مسکویه نامی برده و میگوید ابن مسکویه مصاحب ابن عمید بوده و در بدر امر او را در کتابخانه خویش

خدمت مینمود این کتابخانه پس از وفات ابی الفضل ابن عمید در ۳۵۹ یا ۳۶۰ عاده ایسی به پسرش ابوالفتح ذوالکفایتین علی بن محمد بن عمید وزیر حسن بن بویه مذکور و پسر حسن مؤیدالدوله انتقال یافته و نظر باینکه صاحب بن عباد بجمع آوری کتاب علاقه مند بوده و ابوالفتح بن عمید سیاست صاحب در ۳۶۶ مورد عقوبت مؤیدالدوله گردیده و وفات نمود احتمال کلی میرود که این کتابخانه ضمیمه کتابخانه صاحب بن عباد شده است.

### ۴ - کتابخانه صاحب بن عباد وزیر فخرالدوله بویه در ری

این وزیر محترم ایرانی بسیار علاقه مند بفضل و دانش و جمع آوری آثار علماء و فضلا و شعراء بوده است شخصاً نیز صاحب تألیفات نفیسه است و کتابخانه مهمی داشته که از انواع کتب نفیسه نادره تشکیل مییافت ... ابن خلکان نام آنرا برده و میگوید نوح بن منصور پادشاه سامانی بصاحب بن عباد کاغذی نگاشته و او را محرمانه برای وزارت و زمامداری مملکت خویش دعوت کرده صاحب از قبول دعوت نوح امتناع نموده و در جواب او چندین عذر مرقوم داشت از جمله اظهار کرد که حرکت من بطرف بخارا زحمت و تکلفات زیاد دارد برای اینکه حمل و نقل کتابخانه ام تنها چهارصد شتر لازم دارد جز سایر لوازمائی که باید حمل گردد.



خود صاحب در ضمن توصیف کتاب الاغانی تألیف ابوالفرج اصفهانی نامی از کتابخانه خود برده و میگوید: من در کتابخانه خودم صد و هفده هزار جلد کتاب نفیس دارم وقتی که کتاب اغانی بدست من آمد از مطالعه کتابهای خویش صرف نظر نمودم و ملازم خواندن کتاب الاغانی شدم، این سخن صاحب را در توصیف کتاب الاغانی... ابن خلکان و یاقوت و غیر هم در شرح حالات ابی الفرج اصفهانی مؤلف کتاب الاغانی مذکور نقل نموده اند. احتمال کلی میرود کتابخانه ابن عمید چنانکه سابقاً گفتیم ضمیمه این کتابخانه شده و صاحب تمام کتابهای آنرا وقف عام نموده است و بعد از وفات وی در محل معین در ری گذاشته شده که اخیراً ابن محل دارالکتب ری معروف گشته چنانکه ما در توصیف دارالکتب ری این مطلب را بیان مینمائیم.

### ۴- کتابخانه یا دارالکتب ری

یاقوت حموی در جلد ۲ معجم الادباء صفحه ۳۱۴ در ضمن توصیف کتابخانه صاحب بن عیاد و نقل رساله مزبوره نوح بن منصور بن سامان وجواب صاحب که حمل و نقل کتابخانه او فقط چهار صد شتر لازم دارد این عبارت را از امی الحسن بیهمی نقل نموده: ( قال ابو الحسن البیهقی و انا اقول بیت الکتب الذی فی الری علی ذلك دلیل بعد ما احرقه السلطان محمود بن سبکتکین فانی طالعت

هذالبت فوجدت فهرست تلك الكتب عشر مجلدات فان السلطان محمود لما ورد الى الري قيل له ان هذه الكتب كتب الروافض و اهل البدع فاستخرج منها كلما كان في علم الكلام و أمر بحرقه ( ترجمه عبارت فوق اینست که ابوالحسن بیهقی گفته من شخصاً میگویم بقیه کتابخانه که در ری بوده پس از اینکه سلطان محمود بن سبکتکین آنرا سوزانید بر نوشته صاحب بنو حن منصور بابت صعوبت حمل و نقل کتابخانه خود بخارا گواهی دارد زیرا من این کتابخانه را ملاحظه کردم کتابهای آن بسیار زیاد بود که فهرست آن ها تنها در ده مجلد تحریر شده است

سلطان محمود وقتی که ری وارد شده برخی باو گفتند کتابهای این کتابخانه یروافض ها و مردم شیعی مذهب تعاق دارد سلطان محمود آنچه از این کتابها مربوط بعلم کلام بوده خالی کرده و بقیه را سوزانید. ظاهر عبارت ابی الحسن بیهقی نشان میدهد که این کتابخانه در ری غیر از کتابخانه صاحب بن عباد بوده ولی آنچه بنظر ما می آید کتابخانه مزبوره بعینه همان کتابخانه صاحب بن عباد میباشد و کتابخانه دیگری نبوده... زیرا اولاً فاصله بین وفات صاحب و استیلاء محمود بن سبکتکین و انقراض دولت آل بویه بیش از ۳۵ سال نبوده چنانکه صاحب در سنه ۳۸۵ وفات نموده و محمود در سنه ۴۲۰ بر محمدالدوله پسر فخرالدوله استیلاء یافت و خود محمود در سنه ۴۲۱ یا ۴۲۲ وفات نموده پس در این مدت قلیل

با بودن سلطنت آل بویه و عظمت ری و عظمت صاحب و اهمیت کتابخانه او نمیتوان گفت که کتابخانه صاحب پراکنده و متلاشی گردیده بلکه میتوان گفت در محلی مخصوص گذاشته شده و تا زمانیکه محمود بن سبکتکین بری آمده تحت نظر آل بویه بوده و در آنجا باقیمانده است.

مقصود بیهقی نیز از دارالکتب ری همین کتابخانه صاحب بوده است. ثالثاً - عبارت بیهقی صریح است که کتابخانه مذکوره چونکه بفرقه شیعه و روافض منسوب است محمود سبکتکین کتابهای آن را که در علم کلام تألیف شده سوزانیده و جز صاحب بن عباد و ابن عمید در این زمان از بزرگان رافضه و شیعه کسی دیگری در ری نبوده که چنین کتابخانه مهم تأسیس نماید و نام آن را بنظر مورخین نرسد و اگر بگوئیم خود پادشاهان بویهی این کتابخانه را تأسیس کرده اند باز هم مورد نداد زیرا که تاریخ آل بویه با سلوبهای مختلف نگاشته شده و دست رس مورخین قدیم و جدید بوده و تا کنون نام چنین کتابخانه برای آنها در کتب تاریخ نیامده است. در هر صورت این کتابخانه تا زمان ابی الحسن بیهقی که در آخر قرن پنجم بوده باقیمانده بوده است شاید بعد از تسلط پادشاهان سلاجقه بر ری که مذهب اهل سنت را ترویج مینمودند متفرق و پراکنده شده

## ۵- کتابخانه نوح بن منصور

این کتابخانه از کتابخانه‌های مهم آن عصر بوده چنانکه نام آنرا در کتاب ابن خلکان و طبقات الحکماء ابن اصیبه در ضمن حالات شیخ الرئیس ابن سینا ذکر شده و گفته اند که ابن سینا علوم خود را در این کتابخانه تکمیل نموده و برای اینکه بعد از او کسی دیگر از علوم آن مطلع نشود این کتابخانه را سوزانیده ولی محققاً نسبت سوزانیدن این کتابخانه ببن سینا دروغ و بی‌اصل است زیرا اگر شرافت نفس و معنویت و اخلاق ابن سینا و عقیده دینی او را در نظر بگیریم میدانیم این نسبت از مبالغات مورخین در فزونی علوم ابن سینا بوده چنانکه در حالات شیخ مذکور است که هرگاه مسأله بر او مشکل میشد بمسجد مبرفت و دو رکعت نماز میخواند و از درگاه خداوند میطلبید که مشکل آن مسئله را برای او بگشاید علاوه بر اینکه این کار مخالف شرافت و عقیده شیخ بوده است و جهت نداشته که تمام آن کتابخانه که مشتمل بر انواع کتب بوده بسوزند بلکه بایستی آن قسمتی که به فن او مخصوص بوده از کتب طب و حکمت سوزانیده باشد پس این نسبت حتماً خلاف حقیقت است ولی این کتابخانه علی‌التحقیق در موقعی که ابن سینا نزد نوح بن منصور بن سامان بوده سوخته شده و نسبت سوزانیدن این کتابخانه بابن سینا فقط از روی حسادت علمای عصر بابن سینا میباشد . .

(۲۴) کتابخانه غزالی در طوس و کتابخانه آل خجندی در اصفهان

### ۶- کتابخانه حجة الاسلام ابو حامد غزالی در طوس

ما بر بودن این کتابخانه دلیل تاریخی نیافتیم جز آنچه عربی بر يك قلمدان و دوات از مس که نقره منبت گشته نوشته شده و در موزه امروزه مصر موجود است و نص عبارت این است :

( الخزانة . ولانا الامام الرباني الاعظم و الصدر المعظم مفتي الفرق لسان الحق علامة الامام سلطان العلماء لذي الحقائق افضل المتأخرين محمد الغزالي )

البته مراد از خزانة در این عبارت کتابخانه است زیرا که لفظ الخزانة بین عامای قدیم کتابخانه معروف بوده چنانکه سید رضی الدین بن طائوس از علماء حله عرق عرب در قرن هشتم هجری فهرستی برای کتابخانه خود نوشته و در آن آری الاینة عن كتب الخزانة گذاشته بود علاوه خزانة قلم و دوات عاده کتابخانه میباشد . رسم و کلیشه این قلمدان و دوات و این عبارت فوق در اول کتاب تاریخ فلاسفة الاسلام درج شده است

### ۷- کتابخانه آل خجندی در اصفهان و کتابخانه مدرسه

#### صابونی در نیشابور

دو ترجمه تاریخ یمنی صفحه ۲۵۳ در ضمن تعریف مقام فضلی خلف بن احمد امیر سیستان ذکر شده که خلف بن احمد علماء و دانشمندان را دعوت نموده و از آنها خواهش کرده که يك تفسیر

## کتابخانه آل خجند در اصفهان و کتابخانه مدرسه صابونی در نیشابور (۲۵)

مبسوط جامع مشتمل بر اقاویل مفسرین قدیم و جدید و قرائت و علل نحو و لغات و اخبار و احادیث تألیف امامتد خلف بن احمد بیست هزار بیتار برای تألیف آن صرف نمود تا بالتمام رسید نسخه نفیس آن در صد جلد در مدرسه صابونی در نیشابور مخزون بود تا اینکه حادثه غیر ۵۲۵ روی داد و نسخه مزبور را تماماً ضمیمه کتب آل خجند در اصفهان شده ...

از عبارات فوق الذکر دو مطلب استفاده میشود یکی اینکه مدرسه صابولی در نیشابور کتابخانه داشته که تفسیر مهم مزبور تا حادثه غیر در دستخانه آمد. سه محفوظ بود دوم اینکه آل خجند در اصفهان کتابخانه معتبر داشتند که کتاب مزبور ضمیمه کتابهای آن کتابخانه شده است.

حاجان خجند در اصفهان رؤسای مهم دینی و مادی شافعیه بودند و غالباً مابین ایشان و حنفیها جنگ و جدال دست میداد و اسلاً از شهر خجند و از بلاد ماوراءالنهر میباشند. ابو لکر محمد بن ثابت خجندی واعظ اولین کسی است که از این طائفه مشهور شد و در مرو اقامت داشت ' نظام الملک وزیر ملکشاه به مجلس واعظ او بهرفت سپس او را باصفهان آورده و تدریس مدرسه که در اصفهان بنا نموده بود باو تفویض کرد و عبدالمطلب خجندی دارای ریاست مهمی در اصفهان بوده در سنه ۵۲۳ بدست اسماعیلیه کشته شد. در کتاب راحة الصدور صفحه ۲۱ و ۲۸ و جلد اول لباب الالباب صفحه ۳۵ از خانواده